

کتابشناسی سربداران توصیف، تحلیل، نقد

فائزه اکبرزاده^۱

چکیده:

در طول تاریخ حکومت‌های زیادی در مناطق مختلف ایران پدیدار شده‌اند که هر کدام از این حکومت‌ها در یک زمان مشخص حکمرانی کرده‌اند. تاریخ ایران بعد از سقوط ایلخانی به شکل حکومت ملوک الطوایفی تعریف می‌شود؛ بدین صورت که در هر یک از مناطق ایران یکی از حکومت‌های محلی صاحب حکومت است. یکی از این حکومت‌های محلی، سربداران است که حدود نیم قرن در مناطقی از خراسان و ایالت قومن حکم راندند. درباره این سلسله به سبب کوچک بودن و کوتاه بودن دوره حکمرانی اطلاعات چندانی در دست نیست و اطلاعات موجود هم از یک پایه اطلاعات برخوردار نیست و ضروری است که از لحاظ محتوایی مورد نقد و بررسی قرار گیرد.

این مقاله در پی آن است که قدیم‌ترین و اصیل‌ترین منابع مربوط به سربداران را معرفی و سپس نقد کند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که بعضی از کتب کاملاً جانبدارانه و در ذکر ویژگی‌های مثبت حکومت سربداران نوشته شده است در حالی که دسته‌ی دیگر تنها به ذکر نواقص حکومت و مرای سربداری اشاره کرده‌اند اما در این بین کتبی هم که بی‌طرفانه نوشته شده‌اند را می‌توان مشاهده کرد.

واژگان کلیدی: کتابشناسی، سربداران، توصیف، نقد و بررسی

مقدمه:

سربداران نام جنبش مردمی پیشه‌وران و صوفیان شیعه اثنی عشری سبزوار بود که در سال ۷۳۶ ق، با تاسی از تعالیم شیخ خلیفه و شیخ حسن جوری علیه ظلم و جور حکام محلی شکل گرفت و در قالب حکومت مردمی، نیم قرن در منطقه مسلط شد. سربداران معتقد بودند اگر خداوند ما را توفیق دهد رفع ظلم و دفع ظالمان کنیم و الا سر خود را بر دار اختیار داریم. با این حال در برخی از منابع این عده را سربدال یا سرابدال نیز نامیده‌اند. سرابدال از اصطلاحات صوفیه و مرتبه پنجم از مراتب آنان بود و به عده ای از صوفیان اطلاق می‌شد که میان مردم عامه نفوذ بسیار داشتند و حفظ نظم و دفع مصائب از وظایف آنان به شمار می‌آمد. (مدخل سربداران، دایره المعارف تشیع)

زمینه ظهور و خروج سربداران را بستر اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایران بعد از هجوم مغولان فراهم آورد. با فروپاشی حکومت ایلخانان، حکام محلی در اطراف و اکناف ایران حکومت‌های مستقلی پایه گذاشتند و به جنگ قدرت با هم پرداختند. ظلم و جور این امیر نشینان مستقل و تجاوز و تعرض آنان به حقوق مردم و خرده مالکان موجی از نارضایتی را در منطقه برانگیخت. در این میان شرایط مغشوش سیاسی و اجتماعی خراسان زمینه را برای بروز یک قیام مردمی فراهم آورد. این در حالی بود که متعاقب حمله مغولان و حذف پایگاه‌های حکومتی تسنن در شرق جهان اسلام، امکان رشد و گسترش تفکر شیعی اثنی عشری در ایران بیش از پیش فراهم شد تا جایی که د زمان ایلخانان، مدتی شیعه مذهب رسمی کشور شد و در نتیجه مردم آمادگی پیوستن به چنین جنبش‌هایی را در خود احساس کردند. (همان) حکومت سربداران نخستین دولت مستقل شیعی دوازده امامی و گسترده‌ترین نهضت شیعی مذهب در ایران بود که زمینه ظهور بسیاری از نهضت‌های هم عصر و پس از خود را فراهم کرد. جنب سربداران با هدف استقرار یک حکومت مشروع و به منظور براندازی تشکیلات غیر شرعی ملوک‌الطوایفی و حذف بقایای قوانین و رسوم یاسای عهد مغول شکل گرفت. (مقاله حکومت شیعی سربداران، کاظم مدیر شانه چی) با توجه به اهمیت این جنبش در ایران قرن هشتم هجری نویسندگان و به ویژه مورخان زیادی در صدد جمع آوری و تدوین اطلاعاتی راجع به این حکومت برآمدند، که برخی از این نویسندگان در دربار و در محضر حاکمان سربدارای بودند و برخی از آنها بعد از حکومت سربداران کتبی را تالیف کردند که این منابع و مکتوبات را بر حسب اهمیت آنها می‌توان به روش‌های گوناگونی از جمله: تقسیم‌بندی بر اساس اهمیت

اطلاعات و زمان گردآوری آنها طبقه‌بندی نمود. در این نوشته منابع بر حسب اهمیت اطلاعات موجود در آنها دسته‌بندی شده که در ابتدا به شرح و توصیف مطالبی که در این کتب ارائه شده، می‌پردازیم و سپس اطلاعات موجود را از نظر میزان صحت آنها تحلیل و در انتها هم به نقد هر یک از این آثار و مطالب موجود در آنها خواهیم پرداخت. امید است که بتوانیم گامی هر چند کوچک در جهت شناخت دقیق و بررسی منابع این دوره از تاریخ ایران، برداشته باشیم.

۱. تاریخ سربداران؛

درباره مولف کتاب تاریخ سربداران هیچ گونه اطلاعاتی در دست نداریم و نویسنده این اثر گرانقدر هنوز ناشناخته مانده و بنابراین تمامی منابع این اثر را در زمره آثار مجهول المؤلف به شمار آورده‌اند. می‌توان تاریخ تالیف این کتاب را در چارچوب زمانی محدودی قرار داد. و تقریباً امکان دارد در اواخر سال‌های ۷۶۵-۶۴ هجری به پایان رسیده باشد. امروزه تاریخ سربداران از بین رفته و تنها عبارات و مطالبی از آن در منابع دیگر باقی مانده که می‌توان با مراجعه به این منابع کیفیت مطالب آن را تا حدی دریافت. این تاریخ با مراجعه به منابعی که از آن اقتباس کرده‌اند نشان می‌دهد که تاریخ کاملی بوده جز اینکه حوادث سال‌های میانه سلطنت علی موید در آن نیامده است. تاریخ سربداران را از آغاز جنبش آنها تا قتل درویش عزیز جویری به دست علی موید و کشتار سازمان درویشان شیخ حسن جویری مورد بررسی قرار داده است و مسلماً دوره میانه تاریخ سربداران را مفصلاً مورد بحث قرار داده است. شاید بتوان این واقعه را هم مورد قبول قرار داد که تاریخ سربداران از سعادت سربداران در عهد علی موید صحبت می‌دارد. هر چند که این مساله می‌تواند منسوب به اشتیاق مورخ برای چپلوسی از علی موید باشد ولی مطمئناً اگر او این کتاب را بعد از قلع و قمع سربداران در خلال جنگ‌هایی علیه هرات، امیر ولی و درویش رکن‌الدین نوشته باشد، می‌توانست برای حامی خود تعارفات طنزآمیزی را هم به کار برد. (عروج و خروج سربداران، جان اسمیت)

بازتاب کتاب تاریخ سربداران، تقریباً در اکثر منابع مربوط به این دوره دیده می‌شود از جمله: میر خواند در روضه الصفا، دولت‌شاه در تذکره الشعرا، خود، فصیحی خوافی در مجمل التواریخ و نویسندگان دیگر از آن استفاده کرده‌اند.

چند نکته مهم در این کتاب خودنمایی می‌کند: اولاً اینکه نویسنده گمنام آن در اثر خود از علی موید سربداری تمجید کرده و این نشان دهنده این است که این اثر درباره علی موید

آخرین حکمران سربداری تالیف شده. ثانیاً در کتاب او صحبتی از تاریخ درویشان و عناصر انقلابی این سازمان و رهبران مذهبی آنها نشده است. ثانیاً در تاریخ سربداران سعی شده است تصویر خوبی از وجیه‌الدین مسعود در مقابل برادرش عبدالرزاق ارائه گردد و همین مسائل می‌رساند که نویسنده الفتی با علی موید داشته و فقط به ذکر خوبی‌های حکومت او پرداخته است. (قیام شیعی سربداران، آژند)

۲. ذیل جامع التواریخ، حافظ ابرو؛

نام کامل او مولانا شهاب‌الدین عبدالله بن لطف الله بن عبدالرشید الخوافی مشهور به حافظ ابرو، مورخ و جغرافی‌نگار ایرانی که در قرن نهم هجری می‌زیسته است. از تاریخ تولد او اطلاع دقیقی در دست نیست اما برخی از محققان حدس زده‌اند که در سال ۷۶۳ هجری به دنیا آمده باشد. درباره زادگاه او نیز اختلاف نظر وجود دارد، او خود در مقدمه تاریخ ملوک کرت خود را اهل یهدادین از قرای خواف معرفی کرده است اما نویسندگان دیگر زادگاه او را هرات نوشته‌اند. (مدخل حافظ ابرو، دایره المعارف بزرگ اسلامی)

در جوانی به خدمت امیر تیمور گورکان درآمد و تیمور همواره توجه خاصی به او داشته همچنین او در بسیاری از سفرهای تیمور او را همراهی کرده او بعد از مرگ تیمور به شاهرخ میرزا پیوست و حدود ۲۸ سال ز ملازمان او بود که او در این زمان وقت خود را بیشتر صرف تالیف کرد و بنا به گفته منابع او در سال ۸۳۳ هجری درگذشت و در زنجان دفن شد. (همان)

آثار حافظ ابرو حاوی تاریخ سربداران و نیز مطالبی درباره طغای تیمور، امیر ولی، امیر ارغون شاه و ملوک کرت هرات است که همه آنها در عهد سربداران بوده‌اند. حافظ ابرو سربداران را در سه اثر خود مورد بررسی قرار داده است: جغرافیای حافظ ابرو، مجموعه یا ذیل جامع التواریخ، مجمع / زبده التواریخ بایسنقری که نویسنده در این مورد از جامع التواریخ رشیدالدین و ظفرنامه شامی استفاده کرده و آنها با تاریخچه ای که راجع به سلطنت اولجایتو، ابوسعید و حکام متاخر ایلخانی و آل جلایر بوده، ربط داده است. اما در اینجا به نخستین تالیف او که همان ذیل جامع التواریخ رشیدی باشد اشاره می‌کنیم: فصل مربوط به سربداران در این تالیف حافظ ابرو تحت عنوان تاریخ امرای سربداریه و عاقبت ایشان می‌باشد که این فصل دوره اول تاریخ سربداران را کاملاً مورد توجه قرار داده. موضوع اصلی دوره نخستین فعالیت شیخ خلیفه و شیخ حسن جوری رهبران مذهبی است. همچنین در مورد شیخ حسن جوری،

خاستگاه و قیام سربداران، جنگ بین سربداران و نیروهای طغای تیمور، لشکر کشی سربداران به هرات و مطالبی را عرضه داشته است. بنابراین قسمت اصلی سربداران در این کتاب حافظ قسمتی است که زندگی شیخ خلیفه و شیخ حسن را مورد بحث قرار داده و این بحث برای اطلاع از خاستگاه سربداران و فعالیت‌های آنان در سال ۷۴۵ هجری مفید است. اما دو مورد دوره/ از ۷۴۵ هجری اطلاعات کمی ارائه می‌دهد و آنچه هم عرضه کرده پر از غلاط و اشتباهات است. (رجوع شود به متن اثر)

حافظ همچنین در این اثر خود دوره متاخر تاریخ سربداران/ حکومت علی موید را نیز مورد توجه قرار داده است اما آن را به صورت قسمتی از تاریخ امیر ولی و آل کرت بررسی کرده است. که این دو بخش شامل فعالیت‌های سربداران در مازندران در خلال سال‌های ۷۵۰-۷۶۰ هجری می‌باشد و نیز لشکر کشی ملک پیر علی علیه علی موید در سال ۷۷۰ هجری. حافظ ابرو جز ارائه اطلاعاتی در مورد آداب و رسوم شیعی سربداران، اطلاعات دیگری راجع به امور داخلی آنها در زمان حکومت علی موید عرضه نمی‌کند. (در سراسر اثر)

۳. روضه الصفای میر خواند؛

محمد بن خواند شاه بن سید برهان‌الدین معروف به میر خواند، از مورخان بزرگ قرن نهم هجری که در سال ۸۳۸ هجری متولد شد. و به سبب تنگدستی از بخارا به بلخ رفت و از آنجا به هرات و خدمت شیخ بهاء‌الدین عمر شتافت و در آنجا مورد توجه سلطان حسین بایقرا و وزیر امیر علی شیر نوایی قرار گرفت و سرانجام کتاب روضه الصفا را به نام امیر علی شیر نوایی به رشته تحریر درآورد. و سرانجام در سال ۹۱۰ هجری در هرات درگذشت و در مزار شیخ بهاء‌الدین به خاک سپرده شد.

این کتاب تاریخی است عمومی و مفصل، با نثری پخته و بهره‌گیری از آثار پیشین تاریخنگاری ایران که در هفت مجلد تدوین شده است. مبحث مربوط به سربداران که با عنوان عروج و خروج سربداریه و تسلط ایشان بر بعضی از دیار خراسان مشخص شده و در جلد پنجم آن آمده است. مطالب میر خواند در خصوص تاریخ سربداران از این موارد تشکیل شده است: بحثی درباره آغاز جنبش سربداران، بحث قریه باشتین با دو روایت مختلف، وقایع دوره امیر عبدالرزاق و قتل او و حکومت امیر وجیه‌الدین مسعود، ذکر شیخ خلیفه و ارادت شیخ حسن به او، رهایی شیخ حسن از زندان توسط مسعود، نامه شیخ حسن به حمد بیگ، صحبت درباره

نهایت کار وجیه‌الدین و جلوس محمد آیت‌مور، حکومت کلو اسفندیار سربداری، حکومت امیر شمس‌الدین سربداری و نیز خواجه شمس‌الدین علی سربدار، حکومت خواجه یحیی کراوی و ظهیرالدین کراوی و حیدر قصاب، بحثی درباره حکومت امیر لطف‌الله و پهلوان حسن دامغانی، حکومت خواجه علی موید به اتفاق درویش عزیز جوری. اینها مطالب و اطلاعات میر خواند درباره سربداران است ولی او مطالب دیگری نیز در بحث از آل کرت و طغاتی‌مور و امیر ولی راجع به سربداران دارد که به طور مجزا تنظیم شده است. همچون: جنگ زاوه بین آل کرت و سربداران و شهادت شیخ حسن، کشته شدن طغا تیمور به دست یحیی کراوی. بهتر این بود که این مطالب را اینگون تقسیم‌بندی می‌کرد: دوره متقدم ۷۳۶-۴۵ هجری، دوره میانه ۷۴۵-۵۹ هجری، دوره متاخر ۷۵۹-۷۸۳ هجری. میر خواند در فصول کتابش از آثار حافظ ابرو و کتاب تاریخ سربداران استفاده فراوان برده است. اما استفاده او از این آثار مشخص نیست. نشان دادن تکنیک تاریخ‌نگاری میر خواند که بازتابی از استفاده او از تالیفات حافظ ابروست، اهمیت فراوانی دارد که در واقع رونویسی کاملی از مطالب حافظ ابرو است. (رجوع شود به سراسر اثر)

۴. تذکره الشعراء دولت شاه؛

امیر دولت‌شاه بن علاءالدوله بختیشاه الغازی السمرقندی حدود سال ۸۴۲ هجری به دنیا آمد. خاندانش د قرن نهم هجری در خراسان از مکنه و شهرتی بسزا برخوردار بوده و او خودش در هرات به تحصیل علم پرداخت. دولت‌شاه و خانواده اش از رجال دربار تیموریان به شمار می‌رفتند. او در حدود پنجاه سالگی از مناصب دولتی دوری گزید و به کار تالیف، تصنیف و سرودن شعر مشغول شد و تخلص علایی را برگزید. در سال‌های پیمانی عمر ملازم و همنشین سلطان حسین بایقرا، امیر علی شیر نوایی و عبدالرحمن جامی بود. او در سن پنجاه سالگی یعنی حدود سال ۸۹۶ هجری اثر معروف خود به نام تذکره الشعراء را به نام امیر علی شیر نوایی تالیف کرد. کتاب او دومین تذکره از نوع خود بعد از لباب الالباب اوفی در تاریخ ادب فارسی است. این تذکره در یک مقدمه، هفت طبقه و یک خاتمه تدوین شده است. او در کتاب خود به‌طور خاصی به معرفی کامل سلسله کامل سربداران می‌پردازد. (مدخل تذکره الشعراء، دایره‌المعارف بزرگ اسلامی)

دولتشاه همچون میر خواند، وقایع را تا شکست درویش عزیز بدست علی موید و قتل عام درویشان دنبال کرده و سپس کلیاتی راجع به سلطنت علی موید تا آمدن تیمور ابراز داشته. (دولتشاه، ص ۲۸۷).

اثر دولتشاه نه تنها فاقد بررسی دوره تقریباً ۷۸۲ - ۷۶۵ هجری است، بلکه گزارشی از فعالیت‌های شیخ خلیفه و شیخ حسن جوری یا نامه شیخ حسن به محمد بیگ را ندارد. کتاب دولتشاه در بعضی جاها دارای مواردی است که کتب دیگر فاقد آن هستند. مثلاً او اشاره ای به ساختمان سازی شمس‌الدین علی دارد و نیز ارزیابی جالبی از علیموید و سبطنتش ارائه می‌دهد که یک ارزیابی مطلوب و مساعد است. (دولتشاه، ص ۲۸۲)

عبارات او حاوی سعادت قلمرو سربداران در زمان علی موید و کیفیت‌های عالی سلطنت اوست و او در کتاب خود به شدت از علی موید قدر دانی کرده است، شرحی از سازمان درویشان و ایدئولوژی آن نیامده است و فقط یک بررسی کوتاه از نقش آن در تاریخ سربداران گفته شده است و در واقع می‌توان اینگونه استدلال کرد که رابطه ای احتمالی بین نویسنده و علی موید می‌باشد. (سراسر اثر)

مطالب دولتشاه درباره سربداران به وضوح همان مطالبی است که در اثر میر خواند هم آمده همچنین دولتشاه مطالب مجزایی هم در قسمت دیگر کتابش راجع به کشته شدن طغا تیمور دارد که با مطالب حافظ ابرو و میرخواند تطبیق می‌کند.

۵. مجمل التواریخ فصیحی خوافی؛

احمد بن جلال‌الدین محمد بن نصیرالدین یحیی وهب باهلی ملقب به فصیح خوافی یا الخوافی از رجال معروف قرن نهم هجری قمری و از تاریخ نویسان مشهور و موثق دوران تیموری است. او در اول جمادی الاولی سال ۷۷۷ هجری در خواف و بنا به گفته ای دیگر چشم به جهان گشود. او بعد از کسب علم و دانش عهده دار خدمات دیوانی شد و سرانجام در سال ۸۳۶ هجری از کارهای دیوانی حذف شد و که گویا به دلیل اشتباهات مالی و دیوانی او بوده است. و ظاهراً در همین سال‌ها بود که شروع به تالیف مهم‌ترین اثر تاریخی خود و به طور مفصل در آن کتاب از روزگار و ابنای آن شکایت کرد. (مقدمه کتاب مجمل)

المجمل فی التاریخ/ مجمل فصیحی در وقایع تاریخ و تراجم بزرگانی از آغاز آفرینش جهان تا سال ۸۴۵ هجری را در بر می‌گیرد که آن را تقدیم به شاهرخ تیموری کرده است.

مطالب این اثر که یک تاریخ عمومی است و به شیوه‌ی سالشمارانه نوشته شده است در سال ۸۴۵ هجری به پیمان می‌رسد. فصیحی مطالب خود را در مورد سربداران به اختصار نوشته است و آنها را سال به سال بیان کرده است. مطالب مجمل فصیحی به قدری اجمالی است که نمی‌توان از آن به عنوان یک منبع اصلی استفاده کرد. او از زمینه تاریخی جنبش سربداران صحبتی نکرده و آن را مختصراً یادآوری نموده است. او نسبت به سایر مورخین، سالشماری مفصلی راجع به وقایع عرضه کرده و این یکی از محاسن اثر اوست. هم تری منبع فصیحی، تاریخ سربداران گمشده است چرا که اولاً گزارش‌های او با گزارش‌های میر خواند، یک به یک مطابقت می‌کند. ثانیاً مثل دولت‌شاه راجع به سازمان درویشان صحبت زیادی نکرده است. ثالثاً مطالب فصیحی در مورد قتل شمس‌الدین علی دقیقاً با مطالب میر خواند تطابق دارد و این می‌رساند که هر دو از یک منبع استفاده کرده‌اند. (فصیحی، مجمل، جلد ۳، ص ۸۴)

او از زمینه تاریخی زندگی عبدالرزاق حرفی نکرده و شورش سربداران را بسیار مختصر توضیح می‌دهد و حسن اثر او را می‌توان شیوه‌ی سالشمارانه مفصل او دانست. فصیح هم مانند دولت‌شاه راجع به سازمان درویشان زیاد صحبت نکرده است و مانند دولت‌شاه و میرخواند، اطلاعات زیادی راجع به دوره بین ۷۶۴-۶۳ و آمدن تیمور ندارد. او در توصیف قتل شمس‌الدین علی بیش از حد معمول صحبت کرده است. (همان)

۶. تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، ظهیرالدین مرعشی؛

میر ظهیرالدین بن نصیرالدین بن کمال‌الدین بن قوام‌الدین حسینی مرعشی نویسنده و مورخ و سیاستمدار ایرانی در سال ۸۱۵ هجری در آمل دیده به جهان گشود. خاندان او در آمل و ساری حکومت داشتند که او نیز از طرف کارکیا سلطان محمد عهده دار رداری سپاه و ایالت سیاکله رود شد. او نویسنده‌ی کتاب‌های تاریخ رویان و مازندران و طبرستان، تاریخ گیلان و دیلمستان است. اما مهم‌ترین اثر او همین کتاب تاریخ طبرستان و رویان و مازندران است که در سال ۸۸۱ هجری به نام کارکیا میرزا علی، به پایان رسیده است. نثر این کتاب ساده و روان و حتی می‌توان گفت عامیانه است. (مدخل تاریخ طبرستان، رویان و مازندران، دایره‌المعارف تشیع)

در کتاب مرعشی مطالب یکدست و مفصلی راجع به لشکرکشی امیر وجیه‌الدین مسعود به مازندران و قتل و در آنجا وجود دارد که در سایر منابع دیده نمی‌شود. او درباره‌ی اوایل کار

سربداران نیز مطالبی دارد که از نوعی اختصار برخوردار است. یکی از مهم‌ترین مسائلی که مرعشی در کتابش عنوان کرده مساله رابطه مستقیم مرعشیان مازندران با سربداران و خصوصا جناح رهبران مذهبی آن‌هاست. وی صریحا رابطه رهبران مذهبی سربداران را با سید قوام، سر سلسله‌ی مرعشیان، بیان کرده و نامه شیخ حسن را به محمد بیک برای روشن شدن ماهیت قیام سربداران ارائه نموده است. مرعشی قیام سربداران را به صورت یورش خراسانیان مظلوم علیه سیاست‌های ظالمانه اقتصادی علاءالدین محمد و امرای ترک نژاد مطرح کرده است. برداشت و دیدگاه مرعشی در مطالب خود راجع به سربداران یک برداشت ویژه است که در سایر منابع دیده نمی‌شود. (رجوع به خود اثر)

او مساله اقتصادی و نیز تبعیض نژادی را در بررسی کوتاه خود از سربداران به میان کشیده است و شاید این بینش او از خصوصیات بومی منطقه مازندران مایه گرفته باشد. مطالب او درباره شیخ خلیفه و شیخ حسن و نامه شیخ حسن و رابطه مستقیم سید قوام با این رهبران مذهبی باید از منبعی اقتباس شده باشد که منحصر به فرد بوده و یا شاید هم از منابعی استفاده کرده که مورد رجوع حافظ ابرو نیز بوده است. (همان)

۷. سفرنامه‌ی ابن بطوطه؛

ابوعبدالله محمد بن عبدالله بن محمد بن ابراهیم لواتی طنجی بن بطوطه، در شهر طنجه، در سال ۷۰۳ هجری در مغرب/ مراکش به دنیا آمد و در سال ۷۲۵ هجری به سوی مکه عزیمت نمود و مصر، شام، حجاز، ایران، عراق، یمن، بحرین، ترکستان، میانرودان و بخشی از هند و چین، جاوه، شرق اروپا و شرق آفریقا را پیمود و سرانجام به مغرب/ مراکش بازگشت. سفر او ۲۷ سال به درازا کشید و سرانجام در سال ۷۷۹ هجری در مراکش درگذشت. (عروج و خروج سربداران، اسمیت)

تنها گزارش مبسوط همزمان با سربداران در اوایل طغیان آنها همین اثر ابن بطوطه است. ابن بطوطه بر سر راهش به هند از هرات دیدن کرده و از توصیف هرات به بحث درباره سربداران گریزی زده. اطلاعات ابن بطوطه در مورد سربداران، اطلاعات دست دوم است - که او قبل از شورش آنها در سال ۷۳۳ هجری از خراسان گذشته بود- و مربوط به ۷۴۳ هجری می‌شود. وی فقط فعالیت‌های سربداران را در حمله به هرات و قتل شیخ حسن جوری / ۷۴۳ هجری بررسی کرده است و توصیف او در مورد روابط متقابل سربداران، طغای تیمور و ملک

حسین هراتی بسیار با ارزش است و ابن بطوطه هیچ نوع تاریخی برای این قضیه عرضه نکرده و تنها تاریخی که ارائه نموده/ تاریخ جنگ بین ملک حسین و سرداران اشتباه است که این اطلاعات بایستی با احتیاط مورد استفاده قرار گیرد. او چندی را در دربار آل کرت گذرانیده بود و از آنجایی که آل کرت از نظر سیاسی و مذهبی مقابل سرداران بوده‌اند و جنگ زاوه بین آنها اتفاق افتاده بود، لذا ابن بطوطه پس از توصیف شهر هرات چند کلمه هم راجع به سرداران نوشته است. (سراسر اثر)

اطلاعات او در مورد سرداران اطلاعاتی است که از عوام شنیده ولی همین شنیده‌ها هم از اهمیت خاصی برخوردار است. او با اینکه سنی مذهب است و به نفع آل کرت سوگیری دارد ولی در بعضی از قسمت‌ها مجبور به بیان واقعیت می‌شود. مطالب او درباره صداقت و راست کرداری پیروان شیخ حسن اهمیت زیادی دارد. توصیف و از روابط سرداران و آل کرت و طغاتی‌مور هم ارزشمند است. (همان)

۸. عجائب المقدور فی نوائب التیمور از ابن عربشاه؛

شهاب‌الدین ابوالعباس احمد بن محمد بن عبدالله الحنفی معروف به ابن عربشاه، تاریخ‌نگار، ادیب، زبان‌دان و قاضی ایرانی تبار، در سال ۷۹۱ هجری از پدر و مادری ایرانی تبار در دمشق به دنیا آمد. او هنگام هجوم تیمور به شام در سال ۸۰۳ هجری به سمرقند رفت و نزد جرجانی و جزری به تحصیل علوم ادبی پرداخت و زبان ترکی و مغولی را نیز آموخت. و در سال ۸۱۱ هجری به ناحیه خطا رفته و از آنجا به خوارزم و حاجی طرخان و شبه جزیره کریمه و سپس به ادرنه به خدمت سلطان محمد اول رفت و سلطان او را کاتب خویش کرد و بعدها به حلب و دمشق سفر کرد و تا اینکه در سال ۸۴۰ هجری در قاهره به هم صحبتی با تغری بردی نائل گشت و در آنجا ماند و تا در نهایت در سال ۸۵۴ هجری درگذشت. از او آثار زیادی برجای مانده است از جمله: عجائب المقدور فی نوائب التیمور، فاکهه الخلفاء و مفاکبه الظرفاء، ترجمان المترجم بمنتهی الارب فی اللغة الترك و العجم و العرب و نیز ترجمه‌های چندی از فارسی و عربی و ترکی و زبان‌های دیگر. (مدخل ابن عربشاه، دایره المعارف تشیع)

ابن عربشاه کتاب عجائب المقدور فی نوائب التیمور را در سال ۸۴۰ تالیف کرده است. مطالب ابن عربشاه در خصوص سرداران مربوط به ایام متقدم تیمور و آمدن او به خراسان و تسلیم خواجه علی موید در مقابل او است. اطلاعاتی که ابن عربشاه در این زمینه عرضه می‌کند

در هیچ منبعی ارائه نشده است. خلاصه هر چه که هست خالی از ارزش تاریخی هم نیست و خصوصا اطلاعات جالبی در زمینه تسلیم خواجه علی موید به امیر تیمور دارد. (رجوع به سراسر اثر)

۹. دیوان ابن‌یمین؛

امیر فخرالدین محمودبن امیر یمین‌الدین طغرایبی مستوفی بیهقی فریومدی متخلص به ابن‌یمین، از شاعران مشهور قرن هفتم و هشتم هجری است. او در سال ۶۸۵ هجری دیده به هستی گشود و در خانواده ای تربیت یافت که از دانش آن زمان بهره وافر داشت و از همان اوان کودکی با مطالعه و نگارش آشنا شد. ابن‌یمین چون پدر، جزء مستوفیان زمان خود محسوب می‌شد و در آغاز کار دیوانی می‌کرد و مدتی مستوفی خواجه علاءالدین محمد فریومدی وزیر بود. او در آغاز با پادشاهان ایران و وزیران دوره خود رابطه داشته و سپس به هواداری سربداران پرداخته و به خدمت آنان درآمده است. (مقاله ابن‌یمین فریومدی، محمود عنبرانی)

او مدتی در گرگان و در خدمت خواجه علاءالدین وزیر و چندی در هرات در دربار ملک معزالدین حسین کت زیسته و پیش از آن هم در دربار دومین امیر سربداری حضور داشته و در جنگی که در سیزدهم صفر سال ۷۴۳ هجری بین ملک معزالدین حسین کت و خواجه وجیه‌الدین مسعود سربدار در زاوه یا تربت حیدری رخ داد ابن‌یمین اسیر سپاهیان معزالدین شد و در دربار شاه ماندگار شد و متاسفانه دیوان او در این واقعه از بین رفت. (همان) قسمت آخر زندگی ابن‌یمین در سبزواری و فریومد گذشت که در ذکر تاریخ وفات او بین مورخان اختلاف نظر است که برخی سال مرگ او را ۷۴۵ هجری و برخی هم ۷۴۳ هجری دانسته‌اند. (همان)

دیوان ابن‌یمین شامل پانزده هزار بیت در سه بخش قصیده‌ها، غزل‌ها، مقطعه‌ها و مثنوی‌ها و رباعی‌ها می‌باشد. او در شعرهایش تحت تاثیر انوری ابیوردی بوده و از سبک او پیروی کرده است. ابن‌یمین در قصیده‌هایش شصت و پنج تن از امیران خراسان، هرات و سربداران را نام برده است و در او در بیشتر جنگ‌های سربداران حضور داشته. (مقدمه دیوان ابن‌یمین)

قصاید او بیشتر در تمجید از امرای سربداری می‌باشد به طوری که هر امیر سربداری را به گونه نیکو در اذهان مردم نشان داده و به ذکر نبردهای موفقیت آمیز این امرا با گروه‌های مخالفشان پرداخته و نیز همواره سعی در بیان پیروزی‌های سرداران داشته است و آنها را به

خصائص نیک یاد کرده است. ناگفته نماند که گاهی هم جانب انصاف را رعایت کرده و حق بجانب سروده‌هایش را ابراز داشته است. (رجوع به سراسر اثر)

نتیجه‌گیری:

از بررسی‌های انجام شده می‌توان به نتایج زیر دست یافت:

۱. آثار فصیح، میر خواند و دولت‌شاه در انتقال مطالب تاریخ سربداران مکمل همدیگر هستند که پس از جدا کردن برخی از اختلافات، اطلاعات هر سه منبع مشابه هم است آنقدر که می‌توان تصویر کاملی از تاریخ سربداران را ترسیم کرد.
۲. تاریخ سربداران و آثار حافظ ابرو گزارشات مستقلی را از تاریخ سربداران عرضه کرده‌اند، بنابراین این دو منبع در بعضی جاها مکمل یکدیگر هستند مثلاً تاریخ سربداران وقایع سال‌های ۷۴۵-۷۵۹ هجری را که صریحاً توسط حافظ ابرو سالشماری شده روی دایره می‌ریزد و حال آنکه حافظ ابرو از این دوره سالشماری دقیق‌تر و متفاوتی را ارائه می‌دهد. این دو منبع در جایی که در تاریخ‌ها و توصیف لشکرکشی مسعود به هرات تطابق دارند اعتبار یکدیگر را تقویت می‌کنند و در جای که اختلافاتی در دو گزارش دیده می‌شود، مقایسه و تحقیق می‌تواند نتایجی به دست دهد که اعتبار و صداقت، گرایش و میزان اطلاعات و توانایی تاریخنگاری حافظ ابرو و نویسنده تاریخ سربداران را به ثبوت رساند.
۳. آثار ابن عرب‌شاه و ابن بطوطه به گونه‌ای عصب‌آمیز نوشته شده که هر دو منبع به ذکر واقعه‌ی تسلیم شدن خواجه علی موید در مقابل امیر تیمور پرداخته‌اند و این مساله را بیشتر نشانه‌ای برای ضعف امرای سربداری تلقی کرده‌اند.
۴. آثار ابن‌یمین و مرعشی هم می‌توان جزو آن دسته از آثاری به شمار آورد که با دیدی واقع‌بینانه به قضایای و حوادث پرداخته‌اند و ناگفته نماند که در مواردی هم دیدگاهی جانبدارانه در ذکر وقایع و حوادث و به ویژه توصیف جنگ‌های بین امرای سربداری با دیگر حکومت‌ها، داشته‌اند.

منابع

۱. آژند، یعقوب، قیام شیعی سربداران، انتشارات نشر گستره، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۳ ش.
۲. ابن بطوطه، ابوعبدالله حمد بن عبدالله، سفرنامه، ترجمه محمد علی موحد، جلد ۱، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۵۹ ش.
۳. ابن عربشاه، شهاب‌الدین ابوالعباس، عجائب المقدور فی نوائب التیمور، ترجمه محمدعلی نجاتی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۵۶ ش.
۴. ابن یمین، دیوان ابن یمین، به کوشش حسینعلی باستانی‌راد، انتشارات سنایی، تهران، ۱۳۴۲ ش.
۵. اسمیت، جان ماسون، عروج و خروج سربداران، ترجمه یعقوب آژند، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۶۱ ش.
۶. حافظ ابرو، شهاب‌الدین عبدالله بن لطف‌الله، زبده التواریخ / ذیل جامع التواریخ رشیدی، انتشارات علمی ایران، تهران، ۱۳۱۷ ش.
۷. حسینی مرعشی، ظهیرالدین بن نصیرالدین، تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، انتشارات نشر گستره، تهران، ۱۳۶۳ ش.
۸. رویمر، هانس روبرت، ایران در راه عصر جدید (تاریخ ایران از سال ۱۳۵۰ تا ۱۷۵۰م)، ترجمه آذر آهنچی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۸۰ ش.
۹. سمرقندی، دولت‌شاه بن علاءالدوله الغازی، تذکره الشعراء، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۴ ش.
۱۰. صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات ایران، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۵۶ ش.
۱۱. عظیم‌زاده، امید، «سربداران»، دایره المعارف تشیع، جلد ۱۲.
۱۲. فصیحی خوافی، احمد بن محمد، مجمل فصیحی / مجمل التواریخ، انتشارات باستان، مشهد، ۱۳۳۹ ش.
۱۳. مجهول المؤلف، تاریخ سربداران.
۱۴. مدیر شانه چی، کاظم، «سلسله شیعی مذهب سربداران»، یادنامه ابوالفضل بیهقی، مشهد، ۱۳۵۰ ش.

۲۴ نامه پارسایی و آزادگی «مجموعه مقالات همایش علمی کنگره بین‌المللی سربداران»

۱۵. میرخواند، محمدبن سید برهان الدین، **روضه الصفا**، به کوشش رضاقلی خان هدایت، تهران، دارالطبایع خاصه، ۱۲۷۰-۷۴ش.

۱۶. نجرانی، محمود، «ابن‌یمین فریومدی»، مجله کیهان اندیشه، دی ماه ۱۳۷۱ش، شماره ۴۵.